

از تأمین دارو تا مدیریت بازار و مصرف

روایت دولت و مجلس از تاب‌آوری ایران در روزهای جنگ اقتصادی

صفحه ۲

یادداشت ۱

این گره از کجا باز می‌شود؟!



حسین حقگو

ولی نصر در کتاب «بر لبه تهنایی» ایران امروز را کشوری می‌داند که دغدغه امنیت ملی آن را ساخته است. چشم‌انداز توسعه‌اش بر پایه امنیت نهاده شده و مقاومت در برابر اهداف امریکا در منطقه از لوازم تأمین این امنیت و منافع ملی در نظر گرفته می‌شود و تاریخ معاصر آن درون‌مایه‌ای از پیوند ناگسستنی بین ضرورت تأمین امنیت و مأموریت دولت‌سازی دارد. به اعتقاد وی «مساله پیش روی نخبگان سیاسی ایران فقط این نیست که آیا ایران می‌تواند همچنان هزینه روپارویی و مقاومت حداکثری در برابر ایالات متحده را بپردازد یا نه، بلکه این است که آیا اصولاً مقاومت می‌تواند با هدف توسعه همراه شود یا به عنوان ابزارى برای تحقق آن عمل کند یا نه؟» به نظر می‌رسد این تحلیل، تحلیلی درست از راهبردها، قوانین و نظر گاه‌ها و عملکرد نظام مدیریتی کشور طی سال‌های پس از انقلاب است. چنان‌که راهبرد «خودکفایی» و «جایگزینی واردات» و راهبرد اصلی حاکم بر نظام اقتصادی کشور مان بوده و راهبرد «صادرات» در ذیل آن دو راهبرد دیگر و به عنوان امری حاشیه‌ای محسوب شده است. بدین معنا که ساز و کار اقتصاد و صنعت کشور برای تأمین نیازهای داخلی بوده است و «صادرات» چیزی نبوده جز مازاد مصرف داخلی. چنان‌که طبق آمار و ارقام نیز حدود ۹۰ درصد تولیدات پندگاه‌های اقتصادی در داخل مصرف شده و باقی‌به کشور‌های همسایه و منطقه صادر شده است. (بر نامه راهبردی توسعه صنایع صادراتی و رقابتی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازار گانی-۱۳۹۷)

آقای پژوهشکیان اخیراً در مراسم روز صادرات به گاهش ۲۵ص‌دی صادرات کشور به سبب تحریم‌ها و بسته شدن مسیرهای تجاری و تلاش دولت برای ایجاد و تقویت مسیرهای جایگزین اشاره کرد و از جمله بر گسترش روابط دوو و چندجانبه با کشورهای مختلف و فعال‌سازی پیمان‌های بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر بازار گانی-۱۳۹۷)

از چنین فرصت‌هایی نیازمند تغییر نگرش به منطق همکاری‌های اقتصادی است و اینکه این نوع همکاری‌ها، میدان بر د-برد است و نمی‌توان قوانین و مقرراتی را به تصویب رساند که ورود کالاهای مشابه داخلی را ممنوع کند و هر روز بر فهرست ممنوعیت‌های وارداتی افزود یا به ناگاه و به‌بانه نیاز بازار داخلی، مانع صادرات کالاهای فروخته یا تعهد داده شده، گردید.

در همین مراسم وزیر صمت از آقای پژوهشکیان خواست که کمیته‌ای ذیل شورای عالی صادرات غیر نفتی کشور و با حضور نمایندگان این وزارت‌خانه و بانک مرکزی و اتاق بازرگانی تشکیل شود و رییس سازمان توسعه تجارت از ۱۰ پیشنهاد جهت تسهیل مسیر فعالیت صادرکنندگان خبر داد و این تنها رییس اتاق ایران به عنوان نماینده بخش خصوصی بود که قدری پا را فراتر گذاشت و گفت: «بخش خصوصی معتقد است تداوم صادرات در این شرایط، مستلزم گذار از مدیریت روزه‌مرحانه طرحی سازوکار پایدار برای تجارت است و طرحی این سازوکار نیازمند بازتعریف جایگاه صادرات در سیاست‌های کلان اقتصادی کشور است و هماهنگی سیاست‌های ارزی، صنعتی، مالی و تجاری» (اعتقاد-۱۴۰۵/۷/۳۰)

تفاوت این دو دیدگاه و رویکردهای راهبردی به این اصل بازمی‌گردد که نهاد دولت حتی بخش مولوی صنعت و تجارت آن به صادرات از دریچه «سیاست» و مباحث امنیتی می‌نگرد چنان‌که آقای پژوهشکیان در همین مراسم از «استادگی

در مقابل زورگویی امریکا» سخنی می‌گوید اما نگاه نهاد بخش خصوصی به صادرات از منظر «اقتصاد» و توسعه اقتصادی است. البته طبعاً این

دو یعنی اقتصاد و سیاست دو مقوله و حوزه جدا از یکدیگر نیستند و در هم تنیده‌اند اما این دو در مفهوم به‌نام «منافع ملی» به توازن و هماهنگی می‌رسند. چنان‌که منافع است بنابر مصلحتی خاص و راهبردی، قدری اقتصاد به‌قول معروف به سیاست امتیاز یا بهانه دهد چنان‌که مثلاً در رفتار گفت‌وگورییس‌جمهور امریکا در بازی با تفرقه‌فراها و خدمات با کشورهای مختلف مشاهده می‌کنیم که البته بدترین و شاید سوداگرانه‌ترین نمونه است، اما عموماً در جهان امروز این اقتصاد است که تعیین‌کننده راهبردهای سیاسی و امنیتی کشورهاست و موضوع «ژواکونومی» گفت‌مان حاکم بر روابط کشورها با یکدیگر است.

اکنون به نظر می‌رسد تا این موضوع یعنی جایگاه «اقتصاد» در نگاه نظام حکمرانی مشخص نشود و بر صدر نشینند و در کانون سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها قرار نگیرند، کار سامان نمی‌شود.

تا وقتی «استقلال» به‌انزوا و درون‌نگری و خودکفایی ترجمه می‌شود، بر گزاری هر ساله این گونه مراسم تجلیل و تکریم «صادرات» و تشکیل انواع ستادها و کارگروه‌ها و کمیته‌ها و ارائه انواع توصیه‌ها و دستورالعمل‌ها فقط زمان و فرصت‌ها را برای حرکت در مسیر درست قرار دادن قطار اقتصاد بر ریل توسعه در مسیر آزادی و رقابت و حضور در بازارها و زنجیره‌های تولید و ارزش جهانی و به‌هر می‌دهد و نه فقط گره‌ای از گره‌ها نیست توسعه کشور گشوده نمی‌شود، بلکه گره‌ها کور تر هم می‌شود که چنین مبدا!

بازار سهام دومین روز کاری هفته، ایاسبزپوشی آغاز کرده‌اما در ادامه مسیر بازهم خت‌سرخ‌برتن گردونواست شرایط چندان قابل توجهی برای سرمایه‌گذاران خود رقم‌زنند؛ این موضوع در حالی است که بازارهای موازی شرایط نسبتاً قابل توجه‌تری نسبت به بورس دارند. در مقابل بازار سرمایه همچنان از زندگی کافی برای سودسازی را دارد و می‌تواند هر چند که بسیاری از کارشناسان عقیده‌دان‌دین عقب‌گرد در پی داشته‌باشد. نکته اساسی اینجا ست که شاخص کل بورس طی روزهای گذشته در محدوده ۸ میلیون نوسان

می‌کند. تا چند هفته پیش شاهد صعود بی‌دریی شاخص بورس بودیم و این صعود به‌اندازهای معتبر بود که در نهایت شاخص کل بورس در محدوده ۸۵۵ میلیون واحدی ایستاد؛ اما این روزها افزایش ریسک‌ها و افزایش خروج نقدینگی باعث شده که این شاخص عقب‌گرد کند و در نهایت شاهد آن باشیم که بورس تهران روند اصلاحی را تجربه می‌کند. هر چند که بسیاری از کارشناسان عقیده‌دان‌دین عقب‌گرد و اصلاح موقتی است و به‌زودی بازار روند صعودی خود را آغاز خواهد کرد؛ چرا که گزارش‌های مالی بسیار خوبی

منتشر شده و شرکت‌ها از زندگی قابل توجهی دارند. در اصل بازار سهام توان سودسازی قابل توجهی دارد. اما مساله اصلی ریسک‌ها ست. نازمانی که ریسک‌ها به صورت سنگین و قابل توجهی روی بورس سایه انداخته باشند شاهد هجوم نقدینگی به سمت بورس نخواهیم بود و بازار سرمایه نیز مسیری مشخص نخواهد داشت. به بیان ساده‌تر نازمانی که تکلیف ریسک‌ها مشخص نشود بازار سهام روندی نوسانی و گاهی متعادل خواهد داشت و پس از مشخص شدن شرایط، آن زمان می‌توان روند معاملات را مشخص کرد و به‌نوعی

«تعادل» روند معاملات بازار سهام را بررسی می‌کند

سایه سنگین ابهام روی بازار سرمایه

گفت که بازار چه مسیری را چگونه طی می‌کند و حتی در میان مدت کدام سهام شرایط بهتری دارد، در حال حاضر شرایط موجود حتی پیش‌بینی‌ها را تحت تأثیر قرار داده و به‌نوعی مسیر این بازار را مبهم ساخته است. به واسطه همین شرایط بازار سهام در دومین روز کاری هفته روندی نوسانی داشت و نتوانست در محدوده ۸ میلیون روی روند صعودی داشته باشد و در پایین‌ترین نقطه، این محدوده ایستاد. شاخص کل بورس در معاملات دومین روز کاری هفته یعنی یکشنبه ۱۲ آبان ماه... **صفحه ۲ رابخوانید**



یحیی آل اسحاق از دورنمای محدودیت‌های مرزی امریکا علیه ایران می‌گوید

مرزهای ایران تحریم‌پذیر نیستند

می‌دهد اقتصاد ایران و اقتصاد عراق مکمل یکدیگر نبه، در

همان نسبتی که عراقی‌ها به بازار، کالا، خدمات و انرژی ایران نیاز دارند، ما نیز به بازار عراق محتاجیم. این پیوند در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، روابط بین‌الملل و مجموع امور همسایگی جریان دارد و می‌توان از آن به عنوان یک «جبار طرفینی و راهبردی» یاد کرد که دو کشور را از گریز می‌سازد. روابط خود را در هر شرایطی محکم نگه دارند. بنابر این، این مناسبات تابع شرایط و اقتضات روزمره نیست. البته طبیعی است که در مقاطع زمانی و مکانی کوتاه، هر دو طرف تغییرات با تناسب‌سازی‌هایی ایجاد کنند، اما اصل روابط ایران و عراق بسیار محکم‌تر از آن است که تحت تأثیر شرایط متغیر و کوتاه‌مدت آسیب‌بینند.

■ در حوزه اقتصاد و تجارت خارجی، حجم مبادلات میان دو کشور در چه وضعیتی است و عراق چه جایگاهی در سید صدارتی ایران دارد؟

در حوزه اقتصادی عراق در حال حاضر دومین بازار صدارتی عراقی‌ها به صورت مکمل با یکدیگر پیوند خورده‌ایم. حجم معاملات رسمی ما با عراق در سال گذشته، با احتساب صادرات برق و گاز، حدود ۱۲ میلیارد دلار بود. بدون نظر گرفتن برق و گاز، رقمی حدود ۱۰ تا ۱۱ میلیارد دلار

رسمی داشتیم، و اگر تبادلات غیر رسمی و مرزی را هم به روابط ایران و عراق ریشه‌دار است و به چند دلیل کلیدی: باز، پایدار و بهاری را به‌خاطر است نخست‌مسائل استراتژیکی و امنیتی مشترک بین دو کشور، دوم سبانه تاریخی و فرهنگی طولانی، سوم شرایط ساختاری موجود که نشان

روابط تجاری ما با عراق حدود ۱۵ درصد هم رشد داشته است؛ این یعنی پایداری و عمق بازار دو کشور.

■ اخیراً بحث‌هایی پیرامون محدودیت در یکی از مرزهای دو کشور مطرح شد. به نظر شما این محدودیت‌ها بیشتر به زیان کدام طرف است: ایران یا عراق؟

اجازه بدهید پیش از پاسخ به این پرسش یادآور شوم که ما با کشور عراق ۱۸ مر مشترک داریم. درست است که اخیراً یکی از مرزهای ما تابع شرایط و به‌زای شده، اما بقیه مرزها کاملاً به فعالیت خود ادامه می‌دهند و مرادات برقرار است. در خصوص همان یک مرز نیز، نیازهای صادراتی ایران به مراتب بیشتر از نیاز ما به آن گذرگاه است. هم‌اکنون چندین استان عراقی (همچون میسان و سایر استان‌ها)، نمایندگانشان مجلس و بنده مردم عراق نسبت به این تصمیم اعتراضی کرده‌اند. همانطور که نخست‌وزیر عراق نیز به صراحت مطرح کرد ایجاب محدودیت مرزی پیش‌از هر چیز ما پس از عراقی‌ها سوس پس‌زبان ایران است و وقتی تصمیمی به ضرر منافع آشکار عراق است، علی‌القاعده نباید اتخاذ شود. تاریخ و تجارب ما نشان داده است که اینگونه حوادث و محدودیت‌ها (همانند اتفاقاتی که چند ماه قبل پیرامون تردد تزاران با مرزهای هوایی رخ داد) موقتی و زودگذر است و جای هیچ‌گونه نگرانی قدری ندارد. هم‌انها به خدمات و صادرات ما نیاز دارند و هم ما به بازارشان متصل هستیم؛ این آسیب، اگر هم وجود داشته باشد، طرفینی، ناچیز و کوتاه‌مدت است و به سرعت مرتفع خواهد شد.

■ فراتر از مرزهای عراق، برخی گزارش‌ها حاکی از فشارهای ایالات متحده به سایر همسایگان ایران نظیر ترکیه، پاکستان و اندراپاچان برای اعمال محدودیت بر ارتباط با تهران است. اساماعمال

چنین محدودیت‌هایی برای کشوری که مرزهای متعددی با همسایگان دارد، چقدر امکان‌پذیر و موثر است؟

دشمنی ایالات متحده با ایران امری روشن و بی‌شک است و واکنشکن از تمامی ابزارهای ممکن برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کند. برای همگان مشخص است که آن‌ها از راه‌های نخستین پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۷ سال پیش تاکنون اهداف برانداخته و تخریبی خود را دنبال کرده‌اند. روز اول انقلاب می‌گفتند حکومت ایران همین اسال سرنگون می‌شود و ما را «محور شرارت» می‌خواندند؛ لیلیش هم کاملاً مشخص است؛ ایران لقمه چرب و نرم منافع استعمارگران در دوران پهلوی را از حلقوم آنها بیرون کشید و طبیعی است که امروز از این درد و ناخوشی بسوزند. در مامهای اخیر نیز دست‌گام‌محاسباتی دشمن تصور می‌کرد به‌ای کارگیری تمام توان نظامی در نقطه اوج، ابزارهای دیپلماتیک، جنگ روانی ۲۴۰۰ سانه فعال علیه ایران، و اعمال حاکماری تحریم‌های اقتصادی و بانکی می‌تواند کار را ظرف چند هفته تمام کند. اما با عنایت الهی، تدابیر رهبری و ایستادگی ملت غیور، شرافتمند و فداکاران این به‌هیچ‌یک از اهداف خود نرسیدند. در حوزه بانکی، بیمه، حمل‌ونقل و ارتباطات، امریکایی‌ها هر چه در توان داشتند او درند و حتی کشورهای اروپایی و ناتو را تهدید و تحریک کردند که اگر با ایران همکاری نکند چنین چنان می‌شود؛ یک قلدر تمام‌عیار وسط آمده و می‌گوید باید همه باج بدهید. اما با وجود همه این فشارها، جمهوری اسلامی با موقعیت راهبردی و منطقه‌ای بی‌نظیر خود ایستادگی‌است. هر بازگویی که بخواید ایران درگیر شود، باید ریسک‌های بسیار بزرگی را پیش‌رو به‌همین دلیل است که نه‌بده‌بهایشان علیه ترکیه، پاکستان و اندراپاچان نیز در عمل کارایی صد‌صدی ندارد. **ادامه در صفحه ۲**

از ارزندگی مطلق تا سایه ریسک‌های سیاسی

وضعیت ارزندگی و کاهش برخی مزیت‌های رقابتی بازار سرمایه بازمی‌گردند. بنابر این برای تحلیل شرایط فعلی بورس، صرف توجه به افت شاخص‌ها کافی نیست و باید تغییرات ایجاد شده در جذابیت سرمایه‌گذاری در سهام را نیز در نظر گرفت. لازم است به ماهیت تصمیم‌های سرمایه‌گذاری توجه کنیم. در هر سرمایه‌گذاری، دو سوی معامله وجود دارد؛ یک سو خرید و سوی دیگر فروش است. فردی که وارد بازار سرمایه می‌شود، در واقع بخشی از دارایی خود را می‌فروشد و آن را به‌داری دیگری تبدیل می‌کند. این دارایی اولیه می‌تواند پول ملی باشد که سرمایه‌گذار تصمیم می‌گیرد آن را به سهام تبدیل کند. در شرایط فعلی، ریسک‌های حاکم بر بازار سرمایه به‌ویژه به بورس محدودیت‌دند و سایر بازارهای سرمایه‌گذاری را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. از همین رو، نمی‌توان با قطعیت گفت فردی که سرمایه خود را وارد بورس می‌کند، الزماً آینده بهتری نسبت به سایر سرمایه‌گذاری در بازار می‌مانند طلا خواهد داشت. وقتی ریسک‌های موجود بر بازارهای مختلف سایه انداخته‌اند، نمی‌توان صرا بر اساس منغی یا مثبت بودن عملکرد یک بازار، درباره برتری قطعی آن نسبت به سایر گزینه‌ها یک قضاوت کرد. با این حال، نکته مهم این است که افزایش ریسک‌هایی توان جذب‌تی بازار سرمایه را بیش از برخی گزینه‌های دیگر تحت تأثیر قرار دهد. دلیل این مساله را باید در ماهیت دارایی‌هایی جست‌وجو کرد که در بورس معامله می‌شوند.

در صورت بروز مجدد جنگ، احتمال آسیب دیدن زیرساخت‌ها مطرح می‌شود؛ زیرساخت‌هایی که ممکن است مستقیماً بر فعالیت شرکت‌های بورسی اثر بگذراند.

صورتحساب سنگین مدیریت شهری تهران

کارگران در انتظار حقوق چیتگر در انتظار آب

صفحه ۵

جهش قیمت‌ها در بازار خودرو در سایه ر کود و افت قدرت خرید

پژو ۲۰۷ پنج میلیارد

تعال | بازار خودرو در ادامه روند صعودی قیمت‌ها، شاهد ثبت نرخ‌های تازه‌ای در برخی مدل‌های داخلی است. به‌طوری‌که قیمت آگهی شده پژو ۲۰۷ اتوماتیک تیتانیوم به پنج میلیارد تومان رسیده است؛ رقمی که بار دیگر شکاف میان قیمت خودرو و قدرت خرید مصرف‌کنندگان را برجسته می‌کند. این روند انفرایشی در شرایطی ادامه دارد که رکود معاملاتی و کاهش تقاضای موثر همچنان از چالش‌های اصلی بازار به‌شمار می‌روند. به بیان دیگر... **صفحه ۷ رابخوانید**

«تعادل» گزارش می‌دهد

پارادایم جدید در نظم اقتصادی انرژی

بازار جهانی نفت با دیگر قواعد دیرینه اقتصاد انرژی را به چالش کشیده است. در حالی که تا همین چند ماه پیش بسیاری از سنار پوهایی پللی سقف قیمت طلای سیاه در کانال‌های دور قمری جست‌وجو می‌کردند، عبور مقتدرانه برنت از آستانه ۱۲۰ دلار و مهم‌تر از آن، تثبیت چندروزه در این دامنه نشان داد که فترت‌شده مدت‌نش‌های ژئوپلیتیک سرانجام از مہار در آمده است. اکنون دیگر پرسش این نیست که «آیا نفت ممکن است صعود کند؟»، بلکه پرسش اساسی این است که «سقف ۱۵۰ دلاری چند روز با ما فاصله دارد؟». عددی که زمانی تنها در مانورهای پریسک و شبیه‌سازی‌های بحران مطرح می‌شد امروز به واقعیتی ملموس در تابلوی مبادلات انرژی بدل گشته است. اما در پس این جهش قیمتی، برآزی نهفته است که معمولاً چشم تحلیل‌های کلاسیک بر عرصه و تقاضا دور می‌ماند: کانون زلزله این بار صرفاً کمپود فیزیکی نفت خام در سرچاه‌ها نیست، بلکه پارگی رشته‌های اتصال زنجیره تأمین...

صفحه ۳ رابخوانید

یادداشت ۳

روز صفر نفتی؛ اقتصاد ایران تا کجا دوام می‌آورد؟

برای اقتصاد ایران، نفت هیچ‌گاه فقط یک کالای نبوده است. نفت منبع در آمد ارزی، پشتوانه بودجه دولت، ابزار تأمین واردات و یکی از مهم‌ترین متغیرهای تعیین‌کننده نرخ ارز بوده است. به همین دلیل، خبر کاهش یا افزایش صادرات نفت، زامی توان

پوریا زرشناس

صرفاً در جدول صادرات انرژی جست‌وجو کرد. هر بشکه نفتی که صادر نمی‌شود، در نهایت می‌تواند خود را در بازار ارز، بودجه، واردات و تورم نشان دهد. اکنون اقتصاد ایران با یکی از جدی‌ترین آزمون‌های نفتی خود مواجه شده است. گزارش‌های اخیر حاکی از آن است که صادرات نفت خام ایران در اکتبر ۲۰۲۶ عملاً به صفر رسیده است. بر اساس داده‌های Vortexa، روترز گزارش کرده، صادرات درایبی نفت ایران از میانگین حدود ۲۳ هزار بشکه در روز در ابتدای سپتامبر به صفر در هفته دوم آن ماه رسیده و تا اوایل اکتبر در همین سطح باقی مانده است. این تحول از یک جهت با تحریم‌های سال‌های گذشته متفاوت است. در دوره‌های قبلی، نفت در شرایط سخت تحریمی، ایران را توانست به‌طور نسبی از تحت‌خودار از مسیرهای غیر رسمی و با استفاده از شبکه‌های واسطه به فروش برساند. اما اکنون مساله فقط تحریم نیست. محدودیت‌های حمل‌ونقل و اختلال در مسیرهای دریایی نیز به مانعی جدی تبدیل شده‌اند. گزارش Vortexa می‌گوید نفت ایران در نفتکش‌ها در گرفتار شده و حدود ۴۳ میلیون بشکه در غرب تنگه هرمز محبوس مانده است. اما پرسش اصلی این است: اقتصاد ایران بدون درآمد نفتی چه می‌کند؟ پاسخ کوتاه این است: در کوتاه‌مدت، اقتصاد می‌تواند با استفاده از ذخایر ارزی، درآمدهای غیرنفتی، مالیات، فروش دارایی‌ها، انتشار اوراق و کاهش واردات خود را سرنگانه دارد. اما هیچ کدام از این ابزارها جایگزین کامل درآمد نفتی نیستند. بانک جهانی نیز تأکید کرده است که در صورت فقدان ایران نسبت به بسیاری از کشورهای نفتی متنوع تر است، اما فعالیت اقتصادی و درآمد‌های دولت همچنان به درآمد نفتی وابستگی قابل توجهی دارد. این نهاد هشدار داده که اختلال در صادرات نفت و مسیرهای تجاری، فشار مالی و تومی را تشدید می‌کند.

مشکل نخست، ارز است. اقتصاد ایران برای واردات کالاهای واسطه‌ای، مواد اولیه، تجهیزات و برخی کالاهای اساسی به‌دراز نیاز دارد. وقتی کاهش نفت کاهش می‌یابد، عرضه از کم می‌شود. اگر هم‌زمان تقاضا برای ارز بالا بماند، فشار بر نرخ ارز افزایش پیدا می‌کند. کاهش ارزش پول ملی نیز دوباره قیمت کالاهای وارداتی و تولید داخلی وابسته به واردات را بالا می‌برد. این در نهایت قدرت خرید را برای مردم می‌گیرد. کاهش صادرات نفت - کاهش عرضه ارز - فشار بر نرخ ارز - افزایش هزینه واردات - افزایش قیمت کالاها - افزایش تورم - در نهایت کاهش قدرت خرید. امری‌های IMF عمق مساله را نشان می‌دهد. این نهاد برای ایران در سال ۲۰۲۶ رشد اقتصادی منفی و تورم متوسط نزدیک ۶۹ درصد را برآورد کرده است.

مشکل دوم، بودجه دولت است. وقتی درآمد نفتی کاهش می‌یابد، دولت باید میان سه انتخاب دشوار دست‌به انتخاب بزند: کاهش هزینه‌ها، افزایش درآمدهای مالیاتی یا افزایش استقراض. افزایش مالیات در اقتصادی که قدرت خرید خانوارها تحت فشار است... **ادامه در صفحه ۲**